



بازتاب و تاثیر ترجمه بر داستانهای کودکان در ایران

ایفان کریم شناوه

مریی، دانشگاه بغداد، گروه زبان و ادبیات فارسی - عراق

چکیده:

دوران کودکی یکی از مهمترین مراحل در زندگی هر فردی محسوب می شود. در این مرحله کودک ارزشهای فرهنگی و اجتماعی کسب کرده و هویتشان شکل می گیرد. بنابراین بنظر می رسد که ادبیات کودک و همچنین مطالعه کتاب نقش بسزایی در شکل گیری چنین ارزشهایی دارد. تمرکز تحقیق حال حاضر بر روی ادبیات کودک و ترجمه کتاب برای آنها می باشد چرا که ترجمه الگوهای فرهنگی دیگر کشورهای مختلف که تابحال با آنها آشنا نشده اند را معرفی می کند. این مطلب از جنبه های مختلف در این تحقیق مورد بحث قرار گرفته تا درک منسجمی از این موضوع کسب شود. پژوهش حاضر تحقیقی کتابخانه ای و توصیفی می باشد و قرار است نه تنها به فوایدی که کودکان از خواندن کتابهای ادبی ترجمه شده کسب می کنند بپردازد بلکه مسائل و مشکلاتی که ترجمه ادبیات کودک با آن روبه رو است از جمله: فرهنگ، سانسور، ابهام، کتاب تصویری و غیره را بررسی کند. **کلمات کلیدی:** ادبیات کودک، ترجمه ادبیات کودک، مسائل مربوط به ترجمه ادبیات کودک



مقدمه :

ادبیات کودک یکی از موارد جنجالی و بحث برانگیز در یکی دو دهه اخیر می باشد که از جنبه های گوناگون می تواند مورد بررسی قرار گیرد. فراتر از درک آکادمیک ، درک مشترکی از ادبیات کودک وجود دارد : ادبیات کودک، ادبیاتی است که توسط کودکان خوانده می شود. چه در مدرسه و چه در خانه کتابها بخش عمده ای از زندگی کودکان را تشکیل می دهند. کتابها همچنین تاثیر عمده ای بر شکل گیری و ساختار شخصیت کودکان دارد. می توان گفت که " ادبیات کودک و نوجوان یکی از بنیادی ترین و مهم ترین مباحث آموزش و پرورش محسوب میشود. همان طور که به ادبیات بزرگسال توجه می شود، ادبیات کودک و نوجوان نیز باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد و پرورده شود و مورد حمایت جامعه شناسان، روانشناسان و ادب دوستان قرار گیرد" (عباسی، ۱۳۹۴، ۵).

سلامت و بقای فرهنگی و تربیتی هر جامعه ای، مدیون مدیریت فرهنگی با کفایت و برنامه ریزی اصولی، برای گروه سنی کودک و نوجوان است؛ زیرا این گروه سنی در جوانی به عنوان شاخصه هایی جهت ارزیابی ارتقا، یا عدم توسعه فرهنگی جامعه به شمار میروند و این همه، ثمره نوع تربیت و تغذیه فرهنگی در سنین کودکی و نوجوانی آنهاست. از این رو، ترجمه آثار داستانی کشورهای دیگر و دسترسی آسان کودکان و نوجوانان به آنها، یقیناً نگرشهای تازه و نوینی برای آنها خواهد داشت (عباسی، ۱۳۹۴، ۵)..

برخی از محققان ترجمه ادبیات کودک را ابزار ارتباطی بین فرهنگی می شمارند که شامل فرهنگ بین بزرگسالان و کودکان میباشد. این بدین معنا است که بزرگسالان از طریق ادبیات با کودکان ارتباط برقرار می کنند (ایتین، ۲۰۰۰، ص. ۶). از طرف دیگر کودکان تنها با ادبیاتی که در نقاط دیگر جهان توسط هم سن و سالهای خود خوانده میشود آشنا میشوند بلکه اطلاعاتی در رابطه با فرهنگهای مختلف ، نحوه زندگی آنها و چگونگی درک بهتر آنها کسب میکنند.

ترجمه با انتقال داده های گوناگون فرهنگی و اجتماعی ملل مختلف، این امکان را فراهم می آورد که هر ملتی از طریق شناخت ارزشهای دیگران بهتر به خودباوری برسد و حتی چنانچه دچار عقب ماندگی هم باشد، با شناخت آموزه های دیگران و ارزیابی مجدد راهکارها به خودباوری و باورهای نوینی برسد.

بهرحال ترجمه ادبیات کودک باعث میشود که تفکیک و جدایی مسائل اخلاقی، ایدئولوژی و آداب و رسوم اجتماعی کمتر شود بخصوص اگر فرهنگ دو منطقه تا حدی به هم شبیه باشند.

ادبیات کودک و تاریخ آن

ادبیات کودک

بحثهای مختلف و متعددی بر سر اینکه ادبیات کودک چیست وجود دارد. دایرة المعاف آموزش (۲۰۰۸) ادبیات کودک را اینگونه تعریف می کند:



"ادبیات کودک، هر نوع ادیباتی است که کودکان از آن لذت میبرند. بخصوص ادبیات کودک کتابهای نوشتاری هستند که برای کودکان و نوجوانان چاپ می شوند، آنهایی که هنوز به ادبیات بزرگسالان علاقه پیدا نکرده اند و یا هنوز مهارتهای خواندن و درک عمیق را کسب نکرده اند."

هوک^۱ (۱۹۸۷، ص. ۵) اشاره می کند که هر متن ادبی نوشتاری برای بچه ها بایستی مناسب سن، نیازها و علائق آنها باشد و همچنین زندگی شخصی و آموزشی آنها را درگیر کند. او همچنین از تاثیر و نقش ادبیات کودک در ارتقاء درک فرهنگها و ایدئولوژیهای مختلف جهان غفلت نکرده است. هوک می گوید که ادبیات کودک، بچه ها را با ایده ها و آداب و رسوم هایی که قبلا با آن مواجه نشده اند آشنا می کند و آنها را در مناطق و زمانهای مختلف با خود همراه می سازد و روابط آنها را با مردم و محیط اطراف خود مستحکم تر می کند. او اضافه می کند که ادبیات مربوط به بچه ها همواره نگرشهای متفاوت جامعه به دوران بچگی و آداب و رسوم ها را انعکاس می دهد که این خود باعث می شود والدین تمایل پیدا می کنند آن را به بچه های خود انتقال دهند.

ریتا ایتینن^۲ (۱۹۴۳، ص. ۴۲-۴۳) این سوال را مطرح می کند که آیا واقعا نیازی به تعریف ادبیات کودک وجود دارد یا خیر. او سوال خود را بر اساس مشاهدات اثرهای ادبی و مفاهیم مختلف ژانرهای ادبی و همچنین تعریفهای دوباره ای که آن اثرها به خود گرفته اند بنا می نهد. بنابراین می توان گفت ادبیات بزرگسال امروز، ادبیات کودک فردا روز خواهد بود. تاریخ نشان داده که این احتمال غیر ممکن نیست. کتابهایی که زمانی برای بزرگسالان نوشته شده بود به مرور زمان کتابهای کودکان محسوب شدند (به عنوان مثال، کتاب سفرهای گالیور). البته برعکس این مورد هم وجود دارد کتابهایی که برای کودکان توسط بزرگسالان نوشته شده بود با گذشت زمان، کتاب بزرگسالان محسوب شد (به عنوان مثال، کتاب وینی پو).

تاریخ ادبیات کودک در جهان

شواهد بدست آمده از مطالب خواندنی کودکان و تصاویر آن ایام نشان دهنده این است که تصاویر دوران کودکی و مفهوم کودک در طی زمان تغییر کرده است. یکی از این مدارک مربوط میشود به یک نقاشی کشیده شده از کودکان قرن ۱۸ که توسط روتشمن کشیده شده است (روتشمن^۳، ۱۹۹۶، ص. ۱۰، اشاره شده در کتاب گابریل تامسون- ولگموس^۴، ۱۹۹۸، ص. ۱۸). او در آن نقاشی نشان می دهد که کودکان در همه موارد اخلاقی از جمله صبور بودن و در زندگی نظم داشتن از والدین یا بزرگترهای خود آموزش می دیده اند. در قرن ۱۹ تصاویر کودکان رومانیک همچون بهشت گمشده شروع به شکوفایی کرد. در همان قرن بزرگترها تلاش می کردند تا کودکان را از دنیای واقعی خودشان حفاظت کنند مثلا تا جائیکه ممکن بود آنها را از سختی های زندگی دور نگه داشته و در پناه خود نگه می داشتند.

1. Huck

2. Ritta Oittinen

3. Rutschmann

4. Gabriele Thomson- Wohlgermuth

نیکولاس اورم (Nicholas Orme) ، در مورد قرون وسطی و ادبیات کودک اینگونه اظهار نظر می کند که: ادبیات کودک هم از نظر محتوا و هم از نظر توانایی خواندن از قرون وسطی شروع شده یعنی حداکثر از سال ۱۴۰۰ در صورتیکه با بازگشت به عقب، دیگر تحلیلگران در رابطه با توانایی خواندن کودکان اینگونه استدلال می کنند که این توانایی به یونان و رم کلاسیک، مصر باستان و جالبتر اینکه به اولین تمدنهای شناخته شده سومر باستان (در حال حاضر کشورهای ایران و عراق) برمی گردد. (See Seth Lerer, ۲۰۰۸).

همزمان با آغاز جمع آوری کتابهای کودک توسط کتابخانه های سیار ، بررسی کتابهای کودکان در مجلات اصلی ادبی هم شروع شد و در سال ۱۸۰۲ سارا تریمر مرکز تخصصی با نام Guardian of Education تاسیس کرد. در اواخر قرن، این امکان برای تعداد کمی از مردان و زنان فراهم شد تا نوشتن برای کودکان را به عنوان شغل برای خود در نظر بگیرند. از سوی دیگر تغییرات جمعیتی و تحولات اقتصادی از جمله عوامل اساسی بودند که باعث شدند سرمایه گذارها بر روی ادبیات کودک سرمایه گذاری کنند، هر دوی آن موارد باعث بروز "انقلاب مصرف کننده" شد. سرمایه گذارها کالاهای بیشتری را به خانه های مردم می آوردند که کتاب کودک و ادبیات یکی از آنها بود. این مورد را در قرن ۱۸ بوضوح می توان مشاهده کرد.

قبل از شروع تجارت کتابهای مربوط به ادبیات کودک، مادرها خودشان تکنیکهای آموزشی را طراحی می کردند. بسیاری از شواهد حاکی از استفاده مادران از کاشی های سرامیک طراحی شده برای آموزش الفبا یا کتاب مقدس برای کودکانشان است. بعضی ها هم با زحمت ابزارهای آموزشی را خودشان تولید می کردند. معروفترین آنها جین جانسون در دهه ۱۷۴۰ می باشد که صدها کارت، اسباب بازیها، و کتابهای خانگی را به زیبایی تزئین و طراحی کرد تا به فرزندش نحوه خواندن و اندیشیدن را بیاموزد. بطور معجزه آسایی این آثار هنوز هم باقی مانده اند، اگرچه تعداد زیادی هم بدون شک نابود شده اند (www.dlib.indiana.edu). بعدها در قرن ۱۸ کتابهای کودک بسیاری طراحی شدند که مادران برای آموزش فرزندانشان از آن استفاده می کردند.

افرادی که در زمینه تصویرگرایی کتابهای کودک فعالیت می کردند اغلب این رویه طراحی را هم در متن و هم در تصاویر بکار می بردند بخصوص، طراحیها در بخش ابتدایی و یا برای نشان دادن فداکاری بکار گرفته می شد تا بتوانند مصرف کنندگان بویژه والدین را برای خرید کتاب ترغیب کنند . آنها از تصاویر، برای کاربردهای ویژه از جمله آموزش مسائل اخلاقی استفاده می کردند (تصویر ۱ را ببینید)

4th International Conference on Language, Literature History and Civilization

COMSTECH Inter-Islamic Network on Virtual Universities
Avicenna International Community College LLC

Holding time: September 15, 2020
Tbilisi - Georgia




Figure 2 Henry Walton (1746–1813), *Sir Robert and Lady Buxton and their daughter Anne*, c.1786 (oil on canvas). © Norwich Castle Museum and Art Gallery/ The Bridgeman Art Library.

با مشاهده این تصویر می توان این سوال را مطرح کرد که چه نوع کتابهایی در نیمه قرن ۱۸ تولید و چاپ می شده است. احتمالاً ژانر اصلی کتابها اخلاقی بوده و اگرچه از نظر ترغیب و تاثیر گذاری تعداد زیادی وجود نداشته ولی در آن دوران کتابهای آموزشی و اخلاقی از پر فروش ترین کتابها بودند. بسیاری از این داستانهای اخلاقی توسط "Impeccable Governesses, Rational Dames, and Moral Mothers" نوشته شده که جزو زنهای پیشگام بودند که میتزی مایرز بطور کلی از آنها نام می برد. (میتزی مایرز^۱، ۱۹۸۶، ص. ۵۹-۳۱).

صنعت نشر در دهه ۱۸۰۰ بطور فزاینده ای محصول جدیدی را توسعه داد تلفیقی از کتابهای سنتی و حکایات اخلاقی که برای کتابهای کودکان استفاده می شد. این نوع کتابها ارزان بودند و اغلب خارج از لندن چاپ می شدند. بهرحال در اواسط قرن ۱۹ طیف گسترده ای از ادبیات کودک در ژانرهای مختلف را می شد در بازار دید.

کتابهای مختلفی برای اقبال متفاوت از جمله: برای ثروتمندان، فقیران، دختران، پسران، برای انگلیسی ها یا مخالفان آنها، برای خوانندگان کلان شهرها، ایالات و مستعمری آنها، برای نوزادان، کودکان و بزرگسالان منتشر شد. تکنولوژیهای جدید بخصوص در زمینه تصویرسازی همراه با ارتقاء استراتژیهای تبلیغاتی و نحوه توزیع پیشرفته تر وارد بازار شد. کتابها بزرگتر، رنگین تر و ارزانتر شدند و اغلب بطور گسترده قابل دسترس تر همچنین تجملگرایی که قبلا بود دیگر دیده نمی شد. این رشد و ارتقا در چاپ کتابهای کودک در دهه ۱۹۵۰ به اوج خود رسید و جزو مشاغل با اهمیت و برجسته بحساب آمد (هانت، پیترا^۲، (ویراستا) ۱۹۹۶، ص. ۴۸۱). در سال ۱۹۵۲ روزنامه نگار آمریکایی با اسم ای.بی. وایت^۳ "سایت شارلوت" را منتشر کرد یکی از معدود کتابها برای کودک که بطور جدی موضوع مرگ را مطرح کرد (سیلوی، آنیتا^۴ (ویراستار) ۲۰۰۲،

1. Mitzi Myers

2. Hunt Peter

3.E.B white

4. Silvey Anita

5. J.K. Rowling



ص. ۴۶۷). همچنین موريس سنداك در طول دهه بيش از ۲۴ كتاب تصويرگري كرد و اسم خودش را به عنوان مبتكر تصويرگري كتاب نشان داد (همان، ص. ۴۸۱).

در سال ۱۹۹۷جی، كی، رولينگ^۵ اولين سري كتابهاي هري پاتر را در انگلستان چاپ كرد. علاوه بر موفقيت شگفت آور اين كتاب، بازار كتاب كودك در بریتانیا در اواخر قرن با ركود مواجه بود. اقتصاد بد و دشوار، رقابت تلوزيون و بازبهاي ويدئویی از يك سوء و افزايش قيمتهای كتابها از سوی ديگر باعث اين ركود بودند اگرچه كتابهاي تصويری تا حدی خوب پيش می رفت (همان، ص. ۶۸۲).

تاریخ ادبیات كودك در ایران

برحسب گفته های محمدی و قائینی در جلد يك كتاب تاريخ ادبيات كودكان در ایران، ادبيات كودك در ایران تاريخی بسيار كهن دارد و قدمت آن به بيش از ۳۰۰۰ سال می رسد زمانیکه كه خانواده های فارسی، ادبيات را شفاهی روايت می كردند و كودكان از آن لذت می بردند داستانهای مکتوب هم به دوره ساسانیان برمی گردد.

لالایی ها، مثل ها، ترانه های كودكان، افسانه های خردسالان، داستانهای ماجرای و حماسی و عاشقانه و اسطوره ها كه زائیده تخیل و تفكر مردم اعصار مختلف هستند بنیاد و اساس ادبيات كودكان و نوجوانان را تشكيل می دهند. بنابراین اگر بگوئیم كه ادبيات كودكان سرچشمه در فرهنگ عامه دارد و به كهنسالی زندگی بشر بر روی زمین است خلاف نگفته ایم (ملکیان، ۱۳۸۵، ص. ۱۳۹).

از روزگاران پيش از اسلام آثار مکتوب زیادی جز تعداد کمی سنگ نوشته و چند كتاب انگشت شمار چیز ديگري برای قضاوت درباره وضع زندگی مردم آن زمان ها در اختيار امروز ما نیست. با مراجعه به تاريخ، آثاری را می توانیم نام ببریم كه كودكان و نوجوانان را مورد خطاب قرار می داده اند. در ایران باستان برپایه كاوش های باستان شناسان، آموزش رسمی به هزاره سوم قبل از ميلاد مسیح باز می گردد (همان ۱۳۷).

ابوبكرين محمد جعفر نرشخی در سال ۳۳۲ ه.ق در كتاب تاريخ بخارا سابقه نقالی قصه سیاوش را در ایران به ۳۰۰۰ سال قبل از خود می رساند. آثاری از ایران باستان مثل: "كارنامه اردشیر بابكان، اندرز خسرو گواتان، یادگار زریران" كه شرح جنگ ها و دلآوری های برادر گشتاسب، زریر، همچنین هزار افسانه كه شكل اولیه قصه های "هزار و يك شب" و "درخت آسوريك" كه به مناظره نخل و بز اختصاص دارد را می توان نام برد اما باید توجه داشت كه استفاده كودكان از اين آثار در

گرو در دسترس بودن این آثار برای مردم و نیاز به داشتن سواد در بین بزرگسالان بوده است که در هر دو مورد جای تردید است.

پس از فروپاشی حکومت ساسانی و ورود اسلام به ایران سرنوشت بسیاری از آثار ارزشمند دینی، ادبی، تاریخی، فلسفی در هاله ای از ابهام قرار گرفت و ایرانیان در شرایط گسست فرهنگی واقع شدند و زمینه های فرهنگ و ادب خصوصاً آموزش و پرورش یکسره به فراموشی سپرده شد. اما با شناخته شدن قصه های گوناگون قرآن برای عموم مسلمانان، قصه هایی با اثرپذیری از قرآن با درون مایه های اخلاقی، فلسفی و عرفانی آفریده شد و قصه های عامیانه با درون مایه های گوناگون سینه به سینه نقل و نوشته شد و تعداد زیادی به پهنه ادبیات کودک و نوجوان پیوست. (همان ۱۴۲).

در قرن چهارم ه.ق کتابهایی نوشته شد و همچنین حدود ۵۰۰ قصه و افسانه عامیانه که دهان به دهان میگذشت توسط ابو عبدالله جمشیدی یا جهشیاری جمع آوری شد. در قرن پنجم هم کتابهایی به نگارش درآمد از جمله: پندهای عنصرالمعالی، کیکاوس بن و شکمیر، شاهزاده خاندان زیار، که خطاب به فرزندش گیانشاه بود. عنصرالمعالی با آگاهی از اینکه اندرز و پند تنها به ملال کودکان می انجامد در هر باب حکایتی مناسب و نمونه ای در درستی آن پند نقل می کند تا آنها را به خواندن دلگرم کند. (محمدی و قائینی، ۱۳۳۸۱، ج. ۲، ص. ۳۵). این کتاب را کارشناسان با توجه به نثر ساده و روان و دورنمایه مرتبط با زندگی کودکان، کتاب کودک می خوانند (قرل ایاغ، ۱۳۸۳، ص. ۱۰۳).

در قرن ششم می توان به کتاب "کلیله و دمنه" اشاره کرده که از زبان سانسکریت به زبان پهلوی و بعد از سلام به زبان عربی ترجمه شد اشاره کرد. در اوایل قرن هفتم هم با حمله مغول دستاوردهای علمی و ادبی و فرهنگی را که ایرانیان با دشواری فرآوان در عرصه فرهنگ به شکوفایی رسانده بودند به تاراج برد و ویرانی کتابخانه ها و مدارس و مساجد برجای ماند. از آثار این قرن می توان به مرزبان نامه اثر رستم بن شروین، که سعد الدین ورامینی به نثر فنی آراسته است را نام برد.

در عصر قاجار و قبل از انقلاب مشروطیت رفت و آمد تجار و بازرگانان به کشورهای دیگر و مشاهده تلاش ملت ها برای رهایی از حکومت های خود کامه و آزادی طلب، سبب بیداری ایرانیان شد. تأسیس دارالفنون توسط امیر کبیر نقطه عطفی در آغاز جنبش بیداری ایرانیان محسوب می شود و سبب بوجود آمدن آثاری از جمله "مثنوی الاطفال" از محمود مفتاح الملک گزیده ای است از داستانهای مثنوی همراه با تصویر، همچنین دو جلد "اخلاق مصور" اثر صنیع السلطنه که بیشتر شخصیتهای آنها را حیوانات و عوامل طبیعی تشکیل می دهند که نماد و تمثیلی از انسانند و رویدادهای زندگی آنها به گونه ای است که راهنمای انسان واقع می شوند و در آخر پندی مستقیم را ارائه می دهند (قرل ایاغ، ۱۳۸۳، ص. ۱۳۲).

سال ۱۳۰۰ شمسی را باید در تاریخ ادبیات کودکان نقطه عطفی دانست، چرا که جبار عسگرزاده معلمی از اهالی آذربایجان که کودستانی به نام "باغچه کودکان" در تبریز تأسیس کرده بود آثاری را برای کودکان بازنویسی و تألیف کرد. می توان گفت دوره مشروطه و سالهای پس از ۱۳۰۰، نخستین آشنایی کودکان با ادبیات از راه کتابهای درسی انجام می شده است و



از آنجا که نویسندگان کتابهای درسی بیشتر آموزگار بودند و ادبیات را تنها ابزاری برای انتقال پندها و آگاهی ها می دانستند، بخش بزرگی از ادبیات کتابهای درسی را " ادبیات تعلیمی " تشکیل می داد. (موسوی، هادی پور، سمندری، ۱۳۸۷، ص. ۱۳۲).

در آغاز دههٔ چهل قرن معاصر با گسترش شهرنشینی و رشد طبقه متوسط، ایران وارد مرحلهٔ جدیدی از حیات اجتماعی شد که یکی از نشانه های آن تغییر در نظام آموزشی و کتابهای درسی و پرورشی بود. در سال ۱۳۴۱ شورای کتاب با همت جمعی از فرهنگیان، کتابداران، نویسندگان و تصویرگران به قصد اشاعهٔ آثار ادبی و کمک به گسترش کتابخانه های کودکان تأسیس شد و در سال ۱۳۴۵ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان پا به عرصه وجود گذاشت. دههٔ پنجاه، حضور کارشناسان ادبیات کودکان در مجامع بین الملل بود، شورای کتاب کوک به عضویت دفتر بین المللی کتاب برای نسل جوان درآمد و در سال ۵۵ برگزار کننده روز جهانی کتاب کودک شد. (همان، ص. ۱۳۵-۱۳۶).

دههٔ ۶۰ که حدود ۷ سال جنگ تحمیلی بود بسیاری از مدارس در مناطق جنگی تعطیل و مهاجرت های ناخواسته سبب دگرگونی در زندگی مردم شد. کتابخانه های کانون پرورش فکری به حالت تعطیل درآمد و بالاخره بعد از آن تحت پوشش وزارت آموزش و پرورش به مجموعه دولتی تبدیل شد. در دهه ۷۰ بعد از پایان جنگ، ترجمه انواع کتابها آغاز شد حتی هوشنگ مرادی کرمانی، محمدرضا یوسفی برای جایزه اندرسن نامزد شدند و انجمن نویسندگان کودک و نوجوان در پاییز ۷۷ تأسیس شد. (همان، ص. ۱۳۷-۱۳۸).

ترجمه

بشر بنا به روحیه جستجوگر خود، همواره در پی یافتن راهی برای برقراری ارتباط و آشنایی با سایر اقوام و گشودن باب گفت و گو با آنها بوده است. در این راستا، آثار مکتوب بخصوص متون ادبی و فلسفی و مذهبی به دلیل نقش مهم و تأثیر گذار خود در انعکاس آراء، افکار و به طور کلی فرهنگ و جهان بینی جوامع مختلف زبانی، زمینه مناسبی را برای درک و شناخت بیشتر و عمیق تر جوامع بشری نسبت به یکدیگر فراهم کرده اند. از سوی دیگر، عامل زبان، همواره به عنوان مانعی در این مورد عمل کرده است؛ به گونه ای که شناخت جوامع دیگر، بدون آشنایی با زبان اهل آن جامعه امکان پذیر نیست. وجود مانع زبانی از یک سو و عدم امکان یادگیری زبان برای تمام اقشار جامعه از سوی دیگر، ترجمه را در طول تاریخ به عنوان مناسب ترین راه برای دستیابی به محتوای تولیدات جوامع زبانی دیگر مورد توجه بشر قرار داده است. به همین منظور آثار ادبی، فلسفی و دینی فراوانی توسط مترجمان که غالب آنها در بدو امر راهبان، ادبا و فلاسفه تشکیل می داده اند، به زبان های مختلف ترجمه شد (عباسی، ۱۳۹۴، ۶).

از جمله نیازهای گوناگونی که ترجمه به آنها پاسخ میدهد موارد زیر است:



- 1- نیاز به شناخت بیشتر: اگر دنیا یک دهکده جهانی است، پس روا نیست افراد آن همدیگر را نشانند. ضمناً از یاد نبریم که هرگونه عارضه ای در این دهکده جهانی بر روی زندگی همه مردم آن تأثیر میگذارد. ترجمه در بخشهای ادبی و هنری و آشنایی با آثار نویسندگان خارجی، زمینه را برای گزینش ارزشهای فرهنگی و اجتماعی فراهم میآورد.
- 2- تولید فرهنگ و توسعه هنر: فرهنگ بومی به تنهایی جوابگوی فرهنگ جهانی نیست و برای آنکه دانسته ها به روز شوند، نیاز مبرمی به تغذیه فرهنگی است. وقتی جامعه دچار رکود فرهنگی و علمی است، تنها راه برونشد از تنگنای بحران، توسل به ترجمه است. البته اگر بدهستانهای فرهنگی و هنری با شیوه های صحیح مانند ترجمه، تحقق نیابد، در آن صورت " فرهنگهای کلان" غیر بومی به شکل مهار نشده ای، از طریق ماهواره ای " فرهنگهای خرد" آسیب پذیر را نابود کرده و سبب هویت - زدایی از آنان می شود.
- 3- ارتقا توانمندیها و قابلیتهای زبان: در امر ترجمه نیاز به تحقیق در مورد الگوهای نحوی " زبان تألیف" و " زبان ترجمه" برای مترجم اجتناب ناپذیر است و همواره او را به تحقیق و پژوهش و میدارد. مترجم برای یک ترجمه خوب همواره به زبان و زبانشناسی توجه کافی مبذول میدارد و در این رابطه مترصد دستیابی به اطلاعات و دانسته های روز است.
- 4- حس کنجکاوی در مورد ملل دیگر: بدون شک حس کنجکاوی انسان سهم معینی در شناخت موقعیتها و دغدغه های فرهنگی، هنری و اجتماعی ملل دیگر دارد. شرط لازم برای تقویت و تشدید چنین مقوله ای نیز آن است که آنچه توسط مترجم گزینش و ترجمه میشود، جوابگوی این کنجکاوی ها باشد. سلامت و بقای فرهنگی و تربیتی هر جامعه ای مدیون مدیریت فرهنگی با کفایت و برنامه ریزی اصولی برای گروه های سنی کودک و نوجوان است.
- 5- نیاز به " باززایی" فرهنگی و رسیدن به خودباوری: ترجمه شدن آثار مهمی چون اشعار خیام، فردوسی، سعدی، حافظ و مولوی نشان می دهد که ما در مقاطعی تولیدات فرهنگی خود را به کمک نوع نگرش دیگران ارزیابی کرده ایم. تأثیرات استقبالی که در جوامع غربی از آثار ابن سینا و دیگران شده، سبب می شود با " باز اندیشی" دوباره سری به ذخائر فرهنگی و هنری خود بزنیم و در نتیجه میزان اعتماد بنفس ما در رابطه با حفظ و توسعه خلاقانه این ارزشها فزونی یابد.
- 6- نیاز به آسیب شناسی خود در همه زمینه ها: ترجمه، جامعه فرهنگی و علمی را به یک " قیاس نسبی" می رساند و این سبب می شود بنیان های فکری، اجتماعی، فرهنگی، تربیتی، اخلاقی و حتی دانسته های علمی آسیب شناسی شوند. از طریق ترجمه، ملتهای دیگر و دنیایشان را می توان دید و معیار و شاخصی جامع تر، برای درک و مشاهده نارسایی ها و چگونگی ارزشهای خود دریافت.
- 7- پاسخ گویی به نیازهای گروههای سنی کودک و نوجوان: ترجمه آثار باستانی، هنری، آموزشی و تربیتی کشورهای دیگر و دسترسی آسان و برنامه ریزی شده کودکان و نوجوانان به آنها و نیز برگزاری جلسات نقد و بررسی این آثار با حضور



گروههای سنی مذکور و حتی در مواردی دعوت از نویسندگان خارجی و مترجمان کتابها، یقیناً فزاینده و نگرشهای تازه و نوینی را برای این دو گروه سنی به همراه خواهد داشت. (پارسایی، ۱۳۸۷، ص. ۲۵).

تاریخ ترجمه در ایران

در ایران در طول تاریخ زبان های مختلف بزرگی مانند سغدی، برخی زبان های کوچک محلی، فارسی باستان، پهلوی اشکانی و ساسانی، عربی و فارسی دری رایج بوده که با خط های مختلف میخی، اوستایی، پهلوی و عربی نگاشته می شده است. طبیعی است که تحول و تغییر در این حوزه گسترده زبانی نیازمند مترجمان توانا بوده که قابلیت برگرداندن آثار مکتوب را به زبان های دوران بعد داشته باشد. از این رو همواره بزرگانی در حوزه ترجمه در قلمرو جغرافیایی ایران بزرگ ظهور کرده اند که استعداد برگرداندن آثار دینی و ادبی را به زبان غالب دارا بوده اند. در این میان موبدان و در دوران بعد دانشمندان و محققین نقش بسزایی داشته اند. به منظور پرهیز از اختلاط مباحث، ترجمه در ایران، در دو حوزه ایران پیش از اسلام و ایران پس از اسلام قابل دسته بندی است (عباسی، ۱۳۹۴، ص. ۵۵):

پیش از ظهور اسلام در ایران، آثار مختلفی از زبان های مختلف هندی، قبطی، سریانی، آرامی و موارد دیگر به زبان پهلوی برگردانده شده که برخی ادبی بودند، که از جمله آنها می توان به کلیله و دمنه و طوطی نامه اشاره کرد، برخی دیگر از متون ترجمه شده در این دوران، ترجمه اوستا کتاب مقدس زرتشتیان است که از اوستایی به پهلوی برگردانده شد. این اتفاق در دوران اشکانی و به طریق اولی در زمان ساسانیان رخ داد. در هر دو دوره، زبان اوستایی که زبان مرده ای به حساب می آمد و تنها موبدان آن را می آموختند، رفته رفته منسوخ گردید. نیاز به مطالعه و تفسیر اوستا، سبب ترجمه این متن بزرگ دینی به زبانی پهلوی اشکانی و سپس پهلوی ساسانی گردید. (عباسی، ۱۳۹۴، ص. ۵۶).

پس از ورود اسلام به ایران، برای مدت زمانی بسیار طولانی (حدود چهار قرن)، زبان ایرانیان از پهلوی به عربی برگردانده شد. این کار به دست یکی از کاتبان ایرانی به نام صالح بن عبدالرحمن انجام شد. در قلمرو گسترده ایران بزرگ، گرچه مردم عادی اغلب به زبان های پهلوی یا بومی خود سخن می راندند، زبان دستگاه سیاست و علم و آموزش عربی بود. نخستین کار بزرگ ایرانیان پس از اسلام شکل گیری حوزه جدید علمی جمع آوری دانشمندان و بزرگان علمی در شهرهای بزرگ تحت نفوذ خلفای مسلمان ترجمه و نقل علوم به زبان عربی و درآوردن زبان غیر رسمی عربی به زبان علمی بود.

با تداخل زبان عربی در زبان فارسی، زبان دری (فارسی کنونی)، زبان رسمی کشور ایران شد. اندیشمندان ایرانی با احاطه ی کاملی که به هر دو زبان داشتند، به ترجمه کتب مختلف مبادرت کردند. تا ظهور پادشاهان قاجار (یعنی به مدت ۹ تا ۸ قرن) ترجمه کتب عربی به فارسی و بالعکس، رواج زیادی پیدا کرد. تحت تأثیر این ترجمه ها، صنایع شعری تغییر کرد و کلمات



بسیاری از عربی به فارسی راه یافت و آداب و رسوم و سنن و قواعد دو کشور در فرهنگ دیگری، جایی برای خود باز کرد. (عباسی، ۱۳۹۴، ۵۷).

ترجمه آثار کودکان به طور مشخص، از سال های ۱۳۰۰ ه. ش قابل بررسی است. از سال های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ه. ش، داستان های هانس کریستین اندرسن توسط علینقی وزیری، روحی ارباب و مهری آهی وارد بازار نشر کتاب کودک شدند که مصادف با ترجمه اولین رمانهای قرن ۱۸ و ۱۹ م اروپاست. همچنین در همین دوره آثار کوتاه داستانی کودکان ترجمه و در مطبوعات آن ایام چاپ می شد. مجله نو نهالان، کیهان بچه ها، سری مجلات پیک و مجله اطلاعات دختران و پسران در این روند، نقش بسزایی داشتند. ترجمه در سالهای پس از انقلاب اسلامی، به مجموعه شرایطی برخورد کرد که یکباره از میدان بازار نشر به عقب رانده شد و در دوران پس از آن نیز دارای فراز و نشیب های فراوانی بوده است. (حجازی، ۱۳۸۵، ص. ۱۸۴).

به گفته صفار زاده کار ترجمه در کشور ایران بخصوص ایران مدرن، با کتابهای درسی دار الفنون آغاز شد و بر اثر احیای صنعت چاپ و اعزام محصلین به خارج گسترش یافت. از آنجا که هدف تأسیس این مؤسسه تربیتی در زمان عباس میرزا و به پیشنهاد روشنفکران و آزادیخواهان، اخذ تمدن و علوم و معارف مغرب زمین عنوان شده بود، لذا به استخدام معلمین خارجی نیز اقدام گردید. همچنین کتب درسی خارجی در زمینه علوم، ادبیات، تاریخ، پزشکی و ... با کمک همین معلمین به فارسی برگردانده شد. پس از چندی به توصیه عباس میرزا به ترجمه آثار ادبی نیز پرداختند.

از آن جا که محصلین بیشتر به فرانسه اعزام میشدند، زبان فرانسه در مملکت رایج شده و با گستردگی آن، نه تنها آثار نویسندگان فرانسوی، بلکه آثار ادبی دیگر زبانهای اروپایی مثل آلمانی، روسی، لهستانی، مجاری، اسپانیایی و پرتغالی نیز به زبان فارسی برگردانده شد. نخستین نماینده ای که اثر مولیر است "مردم گریز" از فرانسه به فارسی ترجمه شد، نماینده پس از جنگ جهانی دوم، زبان انگلیسی جای فرانسه را به عنوان زبان دوم گرفت و گسترش روز افزون یافت. اما با وجود اینکه انگلیسی زبان دوم امروز اکثریت محصلین ایرانی بشمار میرود، در قلمرو ادبیات هنوز هم بهترین مترجمان ما اغلب کسانی هستند که از زبان فرانسه ترجمه کرده اند. (صفارزاده، ۱۳۷۰، صص. ۱۱-۱۲).

اما دهه ۱۳۴۰ ه. ش، آغاز دوره تازه ای در ادبیات کودکان و نوجوانان است. در این ایام اهمیت ادبیات کودکان بیشتر شناخته میشود و تأسیس سازمانهایی چون شورای کتاب کودک، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، مرکز انتشارات آموزشی در این سالها، موجب رشد و اعتلای ادبیات کودکان شد. (قرشی، ۱۳۸۵، ص. ۶۳).

اتفاقات دیگر این دهه، یکی تدریس درس آشنایی با ادبیات کودکان در گروه کتابداری دانشگاه تهران و دومی انتشار سری مجلات پیک بود که با همکاری مؤسسه فرانکلین و آموزش و پرورش انتشار یافت و چهره های سرشناسی چون ایرج جهانشاهی و پروین دولت آبادی و فردوس وزیری با آن همکاری داشتند. (قرزل ایاغ، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۲).



منافع اقتصادی ترجمه موجب شد که ناشران و بنگاه ترجمه و نشر کتاب به ترجمه و انتشار بسیاری از کتابهای کودک و نوجوان اقدام نمایند. از جمله کتابهای ترجمه شده، آلیس در سرزمین عجایب، افسانهها و قصههای شارل پرو، برادران گریم، داستانهای اندرسن و ژول ورن است. (میرهادی، ۱۳۷۳، ص. ۱۷۸).

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۳۵۷ ترجمه کتب کودکان با توجه به شرایطی که به وجود آمده بود، یکباره از میدان نشر ادبیات کودکان به عقب رانده شد و نویسندگان به منابع ملی و اسلامی روی آوردند و داستانهای واقعی درباره زندگی کودک و نوجوان به نگارش درآمد (عباسی، ۱۳۹۴، ص. ۹۵).

با توجه به گزارش شورای کتاب کودک از سال ۶۴، مجدداً ترجمه کتاب کودکان رشد یافت. در این سال تعدادی از آثار برندگان جایزه جهانی اندرسن مثل ماجراهای فسقلی اثر اریش کستتر، کیک آسمانی اثر جانی روداری و سلطان عجیب زیر زمین اثر کریستین نوستلینگر به فارسی ترجمه شد. از مجموع ۱۵۹ اثر منتشره، ۸۳ اثر ترجمه بود. در سال ۶۹ نیز، از ۲۴۴ کتاب انتشار یافته ۱۲۸ اثر ترجمه و ۱۶۶ اثر تألیف است. (قرشی به نقل از گزارش شورای کتاب، ۱۳۸۵، ص. ۶۵).

ترجمه ادبیات کودک

۱. اهداف

کلینبرگ^۱ (۱۹۸۶، ص. ۱۰ به نقل از گابریل تامسون - ووهلگموث^۲، ۱۹۹۸، ص. ۲۹) برای ترجمه ادبیات کودک چهار هدف مشخص کرده و در دو مجموعه از دو گروه به شرح زیر قرار داده است:

۱. برای پیشبرد چشم انداز بین المللی، درک و تجربه عاطفی / احساسی از محیطهای بیرون و فرهنگهای خارجی

راحتتر و دسترس تر کردن ادبیات برای کودکان

۲. همراهی و تلاش برای ارتقاء ارزش خوانندگان

تهیه متنهایی برای خوانندگانی که بتوانند برحسب میزان دانش خود از آن درک کنند^۳

مجموعه اول تا حدی مقابل مجموعه دوم است چراکه مجموعه اول پایبندی نزدیکی به متن منبع / مبدأ دارد در حالیکه مجموعه دوم تمرکز بیشتری به متن مقصد دارد، تغییرات بیشتری در متن مبدأ می دهد.

جوب^۱ (۱۹۹۶، ص. ۵۱۹) معتقد است که کتابهای ترجمه شده همانند پنجره ای هستند که به خوانندگان این امکان را می دهد که با توجه به عملکرد شخصیتهایی مانند خودشان در داستانها درکی از دنیای واقعی بدست آورند. خوانندگان می فهمند که افرادی از دیگر فرهنگها مشکلات و استرسهای یکسانی با آنها را تجربه می کنند و این مطلب خود به تنهایی منجر می شود که خوانندگان کتاب حس کنند تنها نیستند.

³ 1. Klingberg

2. Gabriele Thomson- Wohlgemuth



در میان پژوهشگران ترجمه ادبیات کودک می توان به این محققان اشاره کرد: Birgit Stolt, Gideon Toury, Katharina Reiss, Zohar Shavit, Ritta Oittinen, Cay Dollerup, Emer O'Sullivan and Tina Puurtinen این محققان موضوعات مربوط به هنجارهای ترجمه و عملکرد آن را بررسی کرده و بر روی درک و تعامل کودک با متن متمرکز شدند. از سوی دیگر خوانش کودک یعنی ترجمه بمنظور خواندن با صدای بلند و مطالعات مقایسه ای ادبیات کودک را بررسی کرده اند.

جنبه فرهنگی و تاثیر آن بر شکل ترجمه را نمی توان بیش از حد ارزیابی کرد. ولی می توان به برخی از بررسیهای محققان اشاره کرد. دانوتا اوربانک^۲ (۲۰۰)، بدنالش جکوموند^۳ (۱۹۹۲) نشان دادند که شیوه ترجمه آثار ادبی نشانگر روابط قدرت بین فرهنگ متن مبدا و فرهنگ متن هدف است: یک فرهنگ ضعیف تر (زیرمجموعه) بیشتر از یک فرهنگ قوی تر (هژمونیک) تأثیر پذیرفته و ترجمه می کند. بنظر می رسد مترجمان با انتخاب استراتژیک خود (عمدی یا غیر عمدی) با تصویرسازی زبان مبدأ باعث شکل دادن فرهنگ زبان هدف در بین خوانندگان ترجمه می شوند.^۴

۲. عوامل موثر بر ترجمه ادبیات کودک

از تقاضا برای خواندن ادبیات و کتابهای کشورهای دیگر جهان، علاقه به ترجمه ادبیات کودک بوجود آمد که نتیجه آن ترجمه ادبیات کودک که خوانندگان آن کودک بودند شکل گرفت. این موضوع مسیرهای جدیدی را برای مطالعات ادبیات کودک و مطالعات ترجمه گشود و سهم ترجمه ادبیات کودک را بخاطر نقش چند جانبه خود برجسته کرد. این جنبه ها همانطور که در تاریخ ترجمه ادبیات کودک هم ذکر شده است با انتقاداتی رو به رو شد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می شود.

۲/۱ مترجم

طرح نظرها و مباحث مختلف در خصوص روش ها، مشکلات و از همه مهمتر توانمندی افراد در سنت ترجمه سبب شد، برای مترجم شروط و توانایی هایی در نظر گرفته شود و بحث مترجم خوب بودن، مطرح گردد: "مترجم خوب" بودن، ارتباطی تنگاتنگ با هوشمندی و پژوهشگری مترجم دارد. هوشمندی یک مترجم، او را به کشف نقاط ضعف خود و تشخیص آنچه باید برای ترجمه متن خود بیاموزد، سوق میدهد. پژوهشگری مترجم، نیز او را به رفع نقاط ضعف و جستجو برای فراگیری تازههای مورد نیاز ترجمه، موظف میکند و او را به نتیجه میرساند. برای نمونه نشانه های هوشمندی و پژوهشگری یک مترجم زبان خارجی به فارسی را در رفتارهای زیر میتوان دید (عباسی، ۱۳۹۴، ۲۱):

⁴ 1. Jobe 2. Danuta Urbanek 3. Jacquemond



- ۱- اگر در متن خود به واژه یا اصطلاحی برخورد که معنی آن را در منابع در دسترس نمی یابد، به سراغ منابع دورتر میروید، حتی اگر لازم شد، با دیگران تماس میگیرید و از این و آن، در داخل و خارج کشور میپرسد.
 - ۲- اگر در متن خود، به واژه‌های برخورد که معنی آن را متناسب با متن نمی بیند، پیش از هر کار به فرهنگ لغات مراجعه میکند تا معنای دیگری را که برای آن واژه نمیداند، فرا بگیرد. (رفیعی، ۱۳۹۲، ص. ۲۱).
 - ۳- اگر در متن به واژه یا اصطلاحی تخصصی برخورد، آن را با مراجعه به فرهنگ تخصصی آن حوزه ترجمه میکند. اگر فرهنگی تخصصی در آن حوزه نیافت یا در فرهنگ تخصصی، معادلی نیافت یا چند معادل یافت، با مراجعه به متخصصان آن حوزه معادل مناسب را مییابد.
 - ۴- اگر بخشی از متنی، ترجمه متنی یا شعری یا سخنی فارسی به زبان بیگانه بود، آن را از زبان خارجی به قلم خود ترجمه نمیکند، بلکه در جستجوی اصل فارسی آن بر میآید و اصل فارسی را در ترجمه قرار میدهد.
 - ۵- برای تلفظ درست اسامی خاص انسانها، شهرها، روستاها و اشیائی که متعلق به فرهنگهای غیرمرتبط با زبان مبدأ بوده و به زبان مبدأ نوشته شده اند، در جستجوی تلفظ درست نام آنها از منابع بومی خود بر میآید.
 - ۶- اگر موضوع مورد ترجمه را درک نمیکند، خود را با مطالعه و پژوهش، به درک مورد نیاز برای فهم متن میرسانند.
 - ۷- وجدان ترجمه به او اجازه نمیدهد که هر ترجمه ای را بپذیرد، مگر اینکه به آنها علاقه داشته باشد و آنها را بفهمد و درک کند.
 - ۸- همواره خود را روزآمد نگاه میدارد و بازنگری در کار خود و پذیرش نقدهای ارزشمند دیگران نسبت به خود را به عنوان یک ارزش تلقی میکند. (رفیعی، ۱۳۹۲، ص. ۲۲).
- جالب توجه است که مترجمان چه در غرب و چه در ایران، در ترجمه آثار ادبی کودکان روش هایی مشابه را انتخاب می کنند؛ تغییر بافت فرهنگی و بومی ساختن اسامی خاص، مکان ها و حتی مراسم مذهبی از روش هایی است که مترجمان برای فهم بهتر کودکان از آنها بهره می برند. معمولاً مترجمان سرگرم کردن کودکان و درگیر نکردن آنها را با ترجمه تحت اللفظی، دلیل دور شدن خود از متن مبدأ می دانند. (Lathy, 2010, p. 118). از این رو می کوشند ترجمه هایی روان ارائه دهند و از بیگانه سازی متن بپرهیزند. چنین رویکردی به بازنویسی متن اصلی می انجامد.

۲/۲ جایگاه مترجم و مؤلف

همه می دانند که هر نویسنده‌ای سبکی خاص دارد. آنچه سبکی را از سبکی دیگر متمایز می کند، تفاوت نویسنده ها در انتخاب ساختارها و کلمات و ترکیبات و واژگان است. گاه سبک نویسنده ای را به دلیل ویژگی های بارز زبانی آن می توان به سادگی تشخیص داد، ولی گاه تشخیص سبک به سادگی ممکن نیست. در هر حال هیچ گاه دو نویسنده، کاملاً شبیه هم نمی نویسند، چون سبک انعکاسی از مجموعه ای از عادات، اعتقادات، سلیقه، دانش و توانایی ها و تجربیات زبانی نویسنده



است. این مجموعه را که برخی عناصر آن شخصی و برخی دیگر از محیط اجتماعی و فرهنگی و حرفه ای نویسنده، نشأت می گیرد، جامعه شناس فرانسوی پیر بوردیو (habitus) نامیده است. مشکل از آنجا پیدا می شود که مترجم می خواهد، سبک متن اصلی را که جزئی تفکیک ناپذیر از متن اصلی است، به زبانی دیگر "ترجمه" کند. (عباسی، ۱۳۹۴، ۲۳). به عبارت دیگر، مترجم هم در انتخاب کلمات و ساختارهای نوشته اش، سلیقه، دانش، عادات و معیارها و تجربه های شخصی و حرفه ای ویژه ای دارد که ممکن است با (habitus) نویسنده همخوانی نداشته باشد. (جفری، ۱۹۸۴، ص. ۵۸). هنگامیکه مترجم، خود نویسنده باشد، به طور کلی در آثار ترجمه شده تأثیری بیشتری خواهد داشت.

۲/۳ انطباق و اقتباس در ترجمه

کلینگرگ (۱۹۸۶ م) از این اصطلاح برای اشاره به تغییراتی استفاده میکند که با هدف تطبیق متن با معیارهای خوانندگان اعمال میشود؛ تغییراتی در ارجاعات ادبی، کاربرد زبانهای بیگانه، پیشینه تاریخی، گیاهان و جانوران، اسامی خاص، اوزان و مقیاسها و دیگر پدیده های فرهنگی. وی استدلال می کند که ادبیات کودکان، معمولاً "با توجه خاص به منافع، نیازها، واکنش ها، دانش و توانایی خواندن خوانندگان مورد نظر تولید می شود" (کلینگرگ به نقل از الوستد، ۱۳۹۲، ص. ۲۳). از آنجا که زمینه های فرهنگی خوانندگان متون مبدأ و مقصد متفاوت است، اگر مترجم متن کودک، متن را با معیارهای خوانندگان مقصد وفق ندهد، درک متن دشوار یا لذت خواندن آن کمتر میشود. از دیگرسو، پژوهشگر مذکور تأکید میکند که یکی از اهداف تربیتی ادبیات ترجمه ای کودکان این است که آگاهی و نگرش بین المللی خوانندگان جوان خود را تقویت کند. اگر مترجمان همه عناصر فرهنگی را تغییر دهند، چنین هدفی برآورده نخواهد شد (عباسی، ۱۳۹۴، ۳۵).

اقتباس در ترجمه ادبیات کودکان به علل ایدئولوژیک نیز صورت میگیرد. دستکاری ایدئولوژیک، که کلینگرگ آن را "پالایش" می نامد، تغییر متن برای انطباق آن با ارزشهای بزرگسالان (والدین، معلمان، و) است. (همان ۳۵-۳۶).

۲/۴ سانسور

بحث سانسور در ادبیات کودکان به طور عمده درباره کتابهای جنجال برانگیزی است که ورود آنها به کتابخانه ها باید ممنوع شود. اما شرح چنین تلاشهایی بازگو کننده تنها بخشی از یک مقوله بسیار وسیعتر است. کتابهای کودکان به ویژه کتابهایی که قرار است برای کودکان ترجمه شود می توانند به اشکال مختلفی سانسور شوند. حتی قبل از انتشار می توانند زیر فشار سانسور قرار گیرند. یک ویراستار یا یک مترجم محتاط ممکن است قبل از نشر کتاب تمام قسمتهای بالقوه بحث برانگیز آن را حذف کند. بخصوص اگر بازار فروش آن، مدارس باشند. همچنین زمانیکه کتاب چاپ می شود، ممکن است اقداماتی در جهت محدود ساختن راههای دستیابی کودکان به آن انجام گیرد. دلایل بزرگسالان برای سانسور متعدد می باشد. در بسیاری از موارد اعتقادات مذهبی افراد، آنها را به سانسور کتابهای کودکان فرا می خواند. به اعتقاد آنها مطالب غیر اخلاقی یا مغایر با اصول مذهبی باید سانسور شوند. در مواردی انگیزه سانسور، ملاحظات سیاسی است. برخی محافظه کاران نیز خواهان



سانسور کتابهایی هستند که مغایر با برداشت آنان از "ارزشهای خانوادگی" است. همچنین برخی آزادیخواهان حامی سانسور کتابهایی هستند که بنظر آنها تبعیض نژادی یا تبعیض جنسی را تبلیغ می کنند. در کل سانسور اغلب از سوی بزرگسالانی اعمال می شود که به موضوعی اعتقاد راسخ دارند.

۲/۵ تأثیر فرهنگ

بطور کلی "فرهنگ" پدیده پیچیده ای است، آمیخته ای از آداب و رسوم، اندیشه، هنر، و شیوه زندگی که طی تجربه تاریخی اقوام شکل می گیرد و قابل انتقال به نسل های بعدی است. مجموعه ای از آگاهی های فردی درباره هنر، ادبیات، علم، سیاست، و مانند آن ها که کسی برای ارتقای فکری و پرورشی خود می آموزد. به منظور رسیدن به ترجمه ای خوب، دانستن زمینه های متعددی از فرهنگ از جمله آداب و رسوم، اندیشه، شیوه زندگی، هنر، ادبیات، علم، سیاست، و مانند آن ها... برای مترجم ضروری است. شاخه های گوناگونی دارد که یک مترجم خوب باید کم و بیش با آن ها آشنا باشد. ناآشنایی و ناآگاهی از زمینه های گوناگون فرهنگ مبدا و نداشتن اطلاعات عمومی کافی موجب می شود که مترجم گرفتار خطاهای فاحش شود.

همچنین می توان گفت که یکی از شاخه های مهم فرهنگ تاریخ است. تاریخ و شناخت بستر تاریخی یک اثر ادبی، نقش بسزایی در ترجمه درست آن اثر دارد. درباره بسیاری از کتابها که درونمایه های تاریخی دارند، شناخت و آگاهی از بستر تاریخی شان، رویکرد نویسندگان آن ها به تاریخ، و سهم آن ها در تاریخ قاره شان، برای خوانندگان این کتابها امری لازم است (صابونچی، ۱۳۹۴، ۳۳۵).

۲/۶ ابهام

زبانی که در زندگی روزانه برای ایجاد ارتباط با دیگران به کار میبریم، پیچیدگیهای فراوانی دارد. آنچه ابهامهای موجود را بین سخنگویان بومی مرتفع میسازد، توانش زبانی آنها، اطلاعات آنها در خصوص جهان پیرامون، طرح پرسش مجدد در صورت وجود یا احساس ابهام و به طور کلی مجموعه ای از اطلاعات زبانی و غیر زبانی است که سخنگویان بومی به آن مجهزند. مسلماً در مکالمات بین سخنگویان بومی و افرادی که آن زبان را به عنوان زبان دوم یا خارجی یاد میگیرند، موارد ابهام زای بیشتری به وجود می آید. این نکته نشان میدهد استفاده درست از زبان به اطلاعات متنوعی نیاز دارد.

ابهام از جمله مختصات زبانی است که مشکلات فراوانی را در ترجمه ایجاد میکند و سبب نامفهوم شدن یا نامرتب شدن آن میشود. بطور کلی می توان گفت که رفع ابهام، به مطالعه در حیطه های معناشناسی، واژه سازی و نحو نیازمند است.

موقع ترجمه مترجم با انواع ابهامات مواجه است که برای رفع آنها راه حلهای مختلفی پیشنهاد می شود:

- استفاده از اطلاعات مربوط به مؤلفه های معنایی و دانش زبانی
- استفاده از کلیدهای بافتی



- استفاده از دانش غیر زبانی (اطلاعات مربوط به جهان پیرامون) .
- مشورت با افراد متخصص .
- استفاده از سیاست گمانه زنی یا بهترین حدس .
- چشم پوشی کردن از موارد ابهام زا (فومنی، ۱۳۸۵، ۲۱-۳۸).

۲/۷ کتاب تصویری

شاید در نگاه نخست بنظر برسد که کتاب تصویری در دایره ی قالب های ادبی نمی گنجد، ولی با کمی پژوهش می توان دریافت که در منابع بسیار موثق حوزه ی ادبیات کودک صراحتاً از کتاب تصویری به عنوان یک قالب ادبی تاثیر گذار یاد شده است . به گونه ای که می توان گفت یکی از گسترده ترین انواع ادبیات کودک "کتاب تصویری" است . بخش عمده ی کتابهایی که برای گروه سنی پیش دبستان و سال های نخست دبستان منتشر می شود، مرتبط با این نوع ادبی است . کتاب تصویری کتابی است که از پیوند اندام وار نوشته و تصویر درست شده است . کتاب تصویری در شکل مطلوبش یک زبان هنری خاص است، کتابی است که در آن تصویر و نوشته چنان با یکدیگر پیوند یافته اند که از آمیزش آنها زبان هنری تازه ای پیدا شده است (پولادی، ۱۳۴۸).

در نتیجه ، می توان کتاب تصویری را کتابی دانست که بیش تر بار معنایی مورد نظر را از راه تصاویر به خواننده منتقل می کند و از این رو ، بهره گیری از این نوع کتاب ها برای خواننده ی خردسال بسیار شیرین و تاثیر گذار است .

از آنجا که کتابهای تصویری، متونی تصویری هستند و موجودیتی متشکل از واژگان و تصاویر دارند، مترجم باید هم به جنبه بصری و هم کلامی آنها توجه کند. تصاویر این کتابها تشکیل شده از مجموعه طرجهایی هستند که برای متن، پی ریزی شده و رابطه این تصاویر با متن است که مترجم باید قادر به تفسیر و بیان آن باشد.

مترجم باید از بسیاری از نشانه های تصویری و فرهنگی مانند، جهت خواندن و نماد پردازی رنگها آگاهی داشته باشد. به عنوان مثال رنگهای سیاه و سفید در اروپا و آسیا، نماد چیزهایی کاملاً متفاوت به شمار می آیند. برای نمونه برای کودک فنلاندی مسأله آفرین خواهد بود اگر تصویر خانمی را ببیند که لباس سفید بر تن دارد و سوگواری میکند. زیرا ما در مراسم سوگواری لزوماً سیاه به تن می کنیم. در این حالت است که مترجم بنابر انتخاب خود میتواند آن مسأله را توضیح دهد یا بگذارد کودک و یا خوانندگان بزرگ سال خود از پس حل آن برآیند.

۲.۸ امکانات لازم

از جمله ابزارهای ضروری و مورد نیاز مترجمان کشور، میتوان به موارد زیر اشاره کرد: فرهنگنامه های به روز زبانهای خارجی به ویژه انگلیسی به فارسی، برای ترجمه ی اصطلاحات روز در حیطه ی ادبیات کودک و نوجوان؛ رفع معضل



سرعت پایین اینترنت برای دسترسی به سایتهای ویژه ی معرفی آثار کودک و نوجوان؛ ایجاد فرصت تعامل مترجمان با نویسندگان متون اصلی؛ امکان عرضه ی آثار برگزیده ی خارجی در کتابفروشی های داخل کشور؛ حذف اعمال سلیقه و تجدید نظر در نگاه ممیزی کتاب؛ اعتماد به اهالی فرهنگ و ادب؛ ایجاد بانک اطلاعاتی برای ثبت آثار در دست ترجمه؛ معرفی آثار جدید تولید شده و تبلیغ کتاب و کتابخوانی در رسانه های ملی، از دیگر ضروریات هستند (ترتبی، ۱۳۹۷، ۱۰۱).

نتیجه گیری:

با توضیحاتی که در این مقاله ارائه شد می توان نتیجه گرفت که:

۱. ادبیات کودک (داستانها و سرودها) ارزش ادبی و هنری دارند و مترجم تنها باید به ارزش ادبی و هنری آن توجه کند بلکه متن اصلی را به نحوی که از لحاظ فرهنگی، اجتماعی، روحی و زبانی قابل درک برای کودک باشد ترجمه کند.
۲. ادبیات کودک و ترجمه آن میتواند فرهنگهای جهان را به همدیگر نزدیکتر کند بنابراین مترجم باید اطلاعات فرهنگی و هنری کافی از هر دو فرهنگ را داشته باشد.
۳. کودکان و نوجوانان از طریق خواندن داستانهای ترجمه شده از نویسندگان سراسر جهان می توانند بی هیچ واسطه ای حوادثی را که در جهان، در گذشته رخ داده است یا هم اکنون در حال وقوع هستند بهتر لمس کرده و به مفاهیم پیچیده تری از زندگی پی ببرند. این مطلب باعث می شود تا تعامل بهتری با یکدیگر پیدا کنند.
۴. هماهنگی بین متن و تصویر و بازسازی خلاقیت کلامی و خلاصه تمام آنچه باعث میشود که خواننده متن ترجمه شده، همانند خواننده متن اصلی لذت ببرد، ایجاد میکند که مترجم یک متخصص باشد.
۵. ترجمه برای کودکان، برخلاف آنچه برخی تصور می کنند دشوارتر و حساس تر از ترجمه برای بزرگسالان می باشد.



منابع

- الوستد، سلیسیا (۱۳۹۲)، " ادبیات کودکان و ترجمه "، ترجمه محمدرضا رصاییان دلویی، روزنامه شرق، سال ۵، شماره ۹۶، ص ۲۸.
- پارسائی، حسن (۱۳۸۷). "ترجمه به چه نیازهایی پاسخ میدهد؟" نشریه تخصصی کودک و نوجوان روشن، تابستان و پاییز، صص ۱۶-۲۷
- پوالادی، کمال (۱۳۸)، "بنیادهای ادبیات کودک"، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران
- تفضلی، احمد (۱۳۸۹)، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، چاپ ششم، به کوشش ژاله آموزگار، تهران، نشر سخن
- حجازی، بنفشه (۱۳۷۷)، ادبیات کودک و نوجوان ویژگیها و جنبه ها، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان
- رفیعی، سیدعلی محمد (۱۳۹۲)، " ترجمه دینی مسائل ترجمه در ایران امروز"، کتاب ماه کودک و نوجوان، ۱۹۱، سال شانزدهم، شهریور ماه، شماره یازدهم، صص ۱۱-۲۵.
- صابونچی، مهتاب (۱۳۹۴)، اهمیت شناخت فرهنگ در ترجمه با استناد بر چند نمونه، پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، دوره ۵، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۴.
- صفا، زیح الله (۱۳۷۹)، تاریخ ادبیات ایران، خلاصه ج ۱ و ۲، تهران، انتشارات ققنوس
- صفارزاده، طاهره (۱۳۷۰)، اصول و مبانی ترجمه، تهران، نشر همراه
- فومنی، محمدرضا فلاحتی (۱۳۸۵)، ابهام در ماشین ترجمه، فصلنامه کتابداری و اطلاع رسانی، دوره ۹ شماره ۳ (پیاپی ۳)
- قرشی، محمدحسین. (۱۳۸۵)، بررسی مشکلات ترجمه ادبیات کودکان، تهران: صنم.
- قرنل ایاغ، ثریا (۱۳۸۸ و ۱۳۸۳)، ادبیات کودکان و ترویج خواندن، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، تهران، سمت.
- عباسی، سکینه. عمران، آسیه ذیحچیا. جمال آبادی، فاطمه زارع (۱۳۹۴)، ادبیات کودک و ترجمه، دانشگاه پیام نور.



محمدی، محمد هادی و زهره قائینی، (۱۳۸۱)، تاریخ ادبیات کودکان ایران: ادبیات کودکان پس از اسلام، تهران: نشر چیستا
 ملکیان، شیمیا. تهذیبی، نسربین (۱۳۸۵)، "سیری در ادبیات کودکان و نوجوانان در ایران"، دانشگاه آزاد اسلامی واحد
 زنجان، مجموعه مقالات همایش ادبیات کودکان و نوجوانان، زنجان
 موسوی، فاطمه. هادی پور، اصغر. سمندی، "سیر ادبیات کودکان و نوجوانان در ایران"، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
 فرهنگی پرتال جامع علوم انسانی، ۱۳۸۷، شماره ۱۱
 میرهادی، توران (۱۳۷۳)، فرهنگنامه کودکان و نوجوانان، تهران نشر فرهنگنامه

- Anne Le Lievre, Kerrie. (2003) "Wizards and wainscots: generic structures and genre themes in the Harry Potter series". CNET Networks.
- Ghaeni, Z., (2011) Children's Literature in Iran: From tradition to modernism, Världs Litterature.se.
- Ghaeni, Z., Winter (2004) The Historical Process of Children's Literature Research and Academic studies in Iran , Project MUSE , Volume 29 , Number 4.
- Gillian, A., (1989) Children and their Books. A Celebration of the Work of Iona and Peter Opie (The Puritans and their Heirs', in Gillian Avery and Julia Briggs (eds), Oxford, Clarendon Press, 95-118 (112).
- Huck, C.S. (1987) Children's Literature in the Elementary School, New York: Holt, Rinehart and Winston, Inc.
- Hunt, P. (1990) International Companion Encyclopedia of Children's Literature . Taylor and Francis, 2nd (2 vols). Landon, Routledge, vol.1:225-38.
- Kimberly, P., 13 August (2010) , "J. K. Rowling Family Tree". About.com.
- Klingberg, G., Ørving, and Stuart, A. (eds.). (1978) Children's Books in Translation: The Situation and the Problems. Proceedings of the third Symposium of the International Research Society for Children's Literature, Stockholm: Almqvist and Wiksell Int.
- Lathly, G. (2010) The Role of Translation in Children's Literature: Invisible Storyteller, New York and London: Routledge.
- Lefevere, A. (1977). Translating Literature: The German Tradition from Luther to Rosenzweig. Assen: Van Gorcum.
- Lucy, A. (1801) Poetry for Children. Consisting of Short Pieces, to be Committed to Memory. London, R. Phillips: iii.
- Mitzi, M. (1986) "Impeccable Governesses, Rational Dames, and Moral Mothers: Mary Wollstonecraft and the Female Tradition in Georgian Children's Books", Children's Literature, 14: 31-59.



Nicholas, O., (2001) *Medieval Children*. New Haven, Yale University Press: 271, 2001.

Oittinen, R. (2000) *Translating for Children*, Garland publishing, Inc. A member of the Taylor and Francis Group, New York and London.

Purtinen, T., (1998) *Syntax, Readability and Ideology in Children's Literature*, *Meta: journal des traducteurs/ Meta: translator's journal*, vol. 43, n° 4, pp. 524-533.

See Seth Lerer, (2008) *Children's Literature. A Reader's History from Aesop to Harry Potter*. Chicago and London, University of Chicago Press: 17–56, and Gillian Adams,

'Ancient and Shavit, Zohre. (1981) *Translation of Children's Literature as Function of its Position in the Literary Polysystem*, DUKE University Press.

Silver/silvey, A., (editor). (2002) *The Essential Guide to Children's Books and their Creator*. New York: Houghton Mifflin, ISBN 0618190821.

Smith, B., 1 june (2007) *Atlanta Journal-Constitution* "Next instalment of mom vs. Potter set for Gwinnett court". Archived from the original.

Thomson-Wohlgemuth, G., September (1990) *Children's Literature and its Translation, An Overview*, University of Surrey School of Language and International Studies, Postgraduate Diploma / MA in Translation.

www.ala.org/ralsc/awards/grants/book/media/Caldecott_honors. Caldecott Medal Awards

www.ProjectMUSE.org. (2012) Produced by The Johns Hopkins University Press in collaboration with Milton s. Eisenhower.